

تغییرات کالبدی - فضایی کلانشهر ارومیه و پیرامون آن

خدیجه کریمی

(دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

پرستو دارویی^۱

(دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان، ایران)

چکیده

حیات هر شهری خصوصاً کلانشهرها به فضاهای پیرامونی خود وابسته است و در این میان زمین‌های کشاورزی و روستاها از عوامل مهم در گسترش و توسعه شهری محسوب می‌شوند. روستاها و زمین‌های کشاورزی در نتیجه گسترش شهرها تهدید می‌شوند. در این ارتباط، روستاها همراه با زمین‌های کشاورزی و باغ‌های اطراف شهر ارومیه نیز از این تغییرات بر کنار نمانده و با گسترش شهر تغییر کاربری داده‌اند. این پژوهش بر آن است تا تغییرات کالبدی- فضایی روستاهای واقع در حریم شهر ارومیه را در اثر گسترش شهر ارومیه بررسی نماید. این پژوهش بر اساس ماهیت از نوع توصیفی- تحلیلی و بر اساس هدف از نوع کاربردی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق طرح جامع و تفصیلی شهر، تحلیل نقشه‌ها و تصاویر ماهواره‌ای و استفاده از اسناد، کتب مرتبط با موضوع و سازمان‌های مرتبط جمع‌آوری گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که همراه با گسترش شهر ارومیه، روستاهای حریم آن با واقع شدن در گوشه‌ای از شهر و البته خارج از محدوده تعیین شده شهری و ارزان بودن زمین به مقصد اصلی مهاجران تبدیل شده و کشاورزان با بالا رفتن قیمت زمین، دست از زراعت برداشته و با تغییر کاربری اراضی زراعی به شغل‌های غیر کشاورزی رو آورده‌اند. در نتیجه جمعیت این روستاها در مقایسه با سایر روستاها و نوع رابطه با زمین تغییراتی داشته است و این روند هم چنان ادامه دارد.

واژه‌های کلیدی: تغییرات کالبدی- فضایی، کلانشهر، جمعیت روستایی، تغییر کاربری زمین، ارومیه.

^۱ایمیل نویسنده مسئول: parastoodarouei@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان پدیده‌های جغرافیایی نمود عینی و فضایی عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در این ارتباط فضاهای روستایی به‌عنوان نوعی چشم‌انداز جغرافیایی حاصل توزیع فضایی عناصر و پدیده‌ها در بخشی از فضای جغرافیایی است که شکل‌گیری و تحول آن‌ها متأثر از روابط و مناسبات میان ساخت‌های جغرافیایی است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۳). در کشور ما رشد شتابان شهرنشینی در سال‌های اخیر و متعاقب آن تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه شکل‌گیری و گسترش جابجایی‌های جمعیتی و به‌ویژه مهاجرت‌های روستا-شهری، موجب تغییر و تحولات ساختاری و کالبدی-فضایی وسیع در فضاهای انسانی اعم از روستاها و شهرها گردیده است. این مسأله نه تنها تأثیرات گوناگونی را بر فضاهای روستایی در ابعاد مختلف کالبدی-فضایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر جای گذاشته است، بلکه موجب تغییراتی در نظام‌های شهری و مسائل و نیازهای آن‌ها گردید است. یکی از نتایج نامناسب برنامه‌های توسعه روستایی در چنین مکان‌هایی مهاجرت از روستا به شهر است. مهاجرت به شهر مشکلات فراوانی را برای ساکنین این مناطق به همراه دارد (اردونمز و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۸۷۳). مهاجرت شدید روستا-شهری، متروکه شدن پاره‌ای از روستاها و گسترش کالبدی-فضایی برخی دیگر، تغییرات و تحولات نظام روابط روستا-شهری، تغییرات کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی به‌ویژه روستاهای پیرامون شهرها و مواردی از این قبیل را می‌توان نمود عینی و فضایی چنین تغییراتی دانست؛ بنابراین در طول زمان با توجه به مجموع عوامل مذکور، سکونتگاه‌های روستایی دچار تغییر و تحول می‌گردند.

جابجایی جمعیت از نواحی روستایی به شهری در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی است. زمانی که شهرها با افزایش جمعیت روبرو می‌شوند، نقاط روستایی با کاهش جمعیت روبرو هستند. انقلاب صنعتی نقطه آغازین توسعه شهرنشینی و گسترش نافرجام شهرها و در مقابل تخریب محیط طبیعی بوده است (پورمحمدی و قربانی، ۱۳۸۱: ۳۴). گسترش صنایع و کارخانه‌ها در شهرهای بزرگ دنیا و به دنبال آن تأمین نیروی کار این کارخانه‌ها، موجب جذب جمعیت در شهرها بوده است. هجوم مهاجرین به شهرها و مخصوصاً کلانشهرها و نبود برنامه‌ای کارا برای اسکان این مهاجران، باعث گسترش اسکان غیررسمی و گسترش شهرها به سوی پیرامون و تخریب اراضی کشاورزی و باغات شده است (رحیمی، ۱۳۸۵: ۵۱). بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی گسترش کلانشهرها و نقش آن در تغییرات فضایی-کالبدی روستاهای پیرامون خود می‌باشد و کوشش می‌شود با بررسی چگونگی توسعه شهر و وضعیت جمعیتی و نوع فعالیت روستاهای پیرامونی کلانشهر ارومیه به این پرسش پاسخ داده شود که تغییرات کالبدی-فضایی این شهر و روستاهای پیرامون آن به چه صورت نمود پیدا کرده است.

پیشینه پژوهش

اغلب چنین ادعا می‌شود که با تأسیس مراکز شهری، کاربری اراضی تغییر می‌یابد، فعالیت‌های تولیدی روستایی به نفع فعالیت‌های خدماتی از بین می‌رود، جمعیت تولیدکننده به جمعیت مصرف‌کننده تبدیل می‌شود و توقع مصرفی مردم بالا رفته و بالاخره به افزایش هزینه زندگی و نابرابری بیشتر شهر و روستا منجر می‌گردد. از این‌رو گسترش مراکز شهری نقش منفی در توسعه ناحیه‌ای ایفا می‌کند، زیرا این امر سبب می‌شود تا روستائیان تولیدکننده محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی به مصرف‌کنندگان شهری تبدیل شده و به‌جای اشتغال در امر تولید، مجبور به انجام کارهای کاذبی در شهرها گردند و نه تنها تولیدی نخواهند داشت، بلکه سربار جامعه نیز خواهند بود (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۵-۸۷).

در زمینه تأثیر گسترش شهرها در روستاهای پیرامون شهرها تحقیقات زیادی صورت گرفته است. افراخته (۱۳۸۲) در ارزیابی نقش شهرها در توسعه ناحیه‌ای استان سیستان و بلوچستان نشان داد که بین گسترش مرکز شهری استان و ایجاد موقعیت‌های اقتصادی مطلوب‌تر رابطه مثبتی وجود دارد. گسترش مرکز شهری، ماندگاری جمعیت حوزه نفوذ روستایی را افزایش داده و دسترسی مردم به خدمات اساسی را به‌طور نسبی بهبود بخشیده است. همچنین گسترش مرکز شهری به عقلایی کردن تولید کشاورزی و توسعه تولیدات کشاورزی منجر شده است. بهبود استانداردهای زندگی روستایی، بهبود و تعدیل نسبی تفاوت‌های زندگی شهری و روستایی از دیگر نتایج توسعه مراکز شهری بوده است.

منشی‌زاده و صادقی (۱۳۸۹) در بررسی تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر نورآباد با تأکید بر این‌که تأثیرات ناشی از گسترش این شهر و تحولات فضایی آن در تمامی روستاهای مورد مطالعه به یک اندازه نبوده و نیست، نشان داده‌اند که این تأثیرات به اشکال مختلفی از قبیل تحولات زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و فضایی ظهور و بروز یافته است.

پورشیخیان و نظریان (۱۳۸۹) بازتاب فضایی پیدایش کلانشهر رشت را افزایش روزافزون جمعیت و تمرکز فعالیت‌های انسانی حوزه نفوذ خود دانسته‌اند که با ادغام پی‌درپی روستاها به محدوده شهری، تعداد جمعیت روستایی و شهری آن دائماً در حال تغییر می‌باشد و با توسعه کالبدی شهر، مشاغل کشاورزی از بین رفته و افراد روستایی که هم‌اکنون بخشی از جمعیت شهر می‌باشند، جذب مشاغل خدماتی رتبه پایین و غیررسمی می‌شوند.

صدر موسوی و اکبر رحیمی (۱۳۹۱) توسعه کالبدی تبریز را نتیجه تخریب اراضی کشاورزی و فضاهای سبز شهری دانسته‌اند که در نتیجه آن ۲۴ درصد از سطح زمین‌های زراعی تخریب شده‌اند. با تخریب زمین‌های زراعی، مهاجرت روستائیان و کاهش فعالیت‌های کشاورزی امری بدیهی است.

مبارکی و همکاران (۱۳۹۲) در ارائه الگوی مناسب گسترش شهر ارومیه، علت گسترش بی‌رویه و نامناسب این شهر را نتیجه مهاجرت (که سبب الحاق اراضی پیرامونی به شهر، شهرک‌سازی‌های تعاونی و توسعه و ایجاد سکونتگاه‌های نابسامان و حاشیه‌نشینی‌ها شده است)، توسعه راه‌ها و خانه‌سازی‌های اطراف آن‌ها و همچنین داشتن بستر مساعد طبیعی (زمین‌های بسیار مطلوب و منابع آب فراوان) دانسته‌اند.

با عنایت به موارد بررسی شده در پیشینه ادبیات موضوع کشور می‌توان گفت که اکثر تحقیقات صورت گرفته به تغییرات شهر توجه کرده و مسائل شهری در اثر گسترش شهرها و مهاجرت روستائیان را مورد توجه قرار داده‌اند و تعداد کمی از آن‌ها به بررسی تأثیرات فضایی - کالبدی گسترش شهر بر روستاهای پیرامون که از اهداف اصلی این پژوهش است، پرداخته‌اند.

مبانی نظری

از دیدگاه فضایی، "منطقه" نظام سکونتگاهی پراکنده و بی‌ارتباط نیست، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فی‌مابین شبکه سکونت روستایی و شهری است؛ بنابراین، توسعه منطقه‌ای - فضایی از طریق رشد و تنوع کارکردهای سکونتگاه‌ها و گسترش روابط میان آن‌ها به وقوع می‌پیوندد و تبعاً به هر میزان که روابط از تعدد و دامنه بیشتری برخوردار باشد، انسجام یا پیوندهای کارکردی - فضایی نیز قوی‌تر و ماندنی‌تر خواهد بود. در این شبکه هر پدیده‌ای با پدیده دیگر رابطه دارد، اما هر چه فاصله نزدیک باشد، ارتباط آن‌ها بیشتر خواهد شد (Margant and Danese, 2012: 12).

شبکه‌ها یا سطوح از عناصر اصلی در نظر گرفته می‌شود (معصومی‌اشکوری، ۱۳۸۵: ۲۴). نقاط یا گره‌ها به دلیل این‌که مراکز اصلی استقرار جمعیت (در قالب نقاط شهری و روستایی) هستند از جمله عناصر اساسی در فضای جغرافیایی به شمار می‌آیند.

در این بین نقاط سکونتگاهی مراکز روستایی، از یک سو به دلیل ارتباط نزدیک با منابع طبیعی آب و زمین و از سوی دیگر به دلیل پراکنش گسترده آن‌ها در پهنه فضا، نقش مهمی در ساختار فضایی هر منطقه به عهده دارند (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۴۶). فضای روستایی بر اثر گسترش فعالیت‌های وابسته به زندگی شهری به آرامی تحلیل می‌رود و در مجاورت کانون‌های پرجمعیت آشکارا دستخوش ناپایداری می‌گردد. این در حالی است که این فضاهای توانمند تولیدی تکیه‌گاهی پایدار برای استقرار شبکه ارتباطی‌اند که پیوند میان شهر را برقرار می‌کند (دولفوس، ۱۳۷۴: ۱۰۱). از همین رو تحول سازمان‌یابی فضایی نقاط روستایی از تعامل عوامل با نیروهای درونی و بیرونی تأثیر می‌پذیرد (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۲۵).

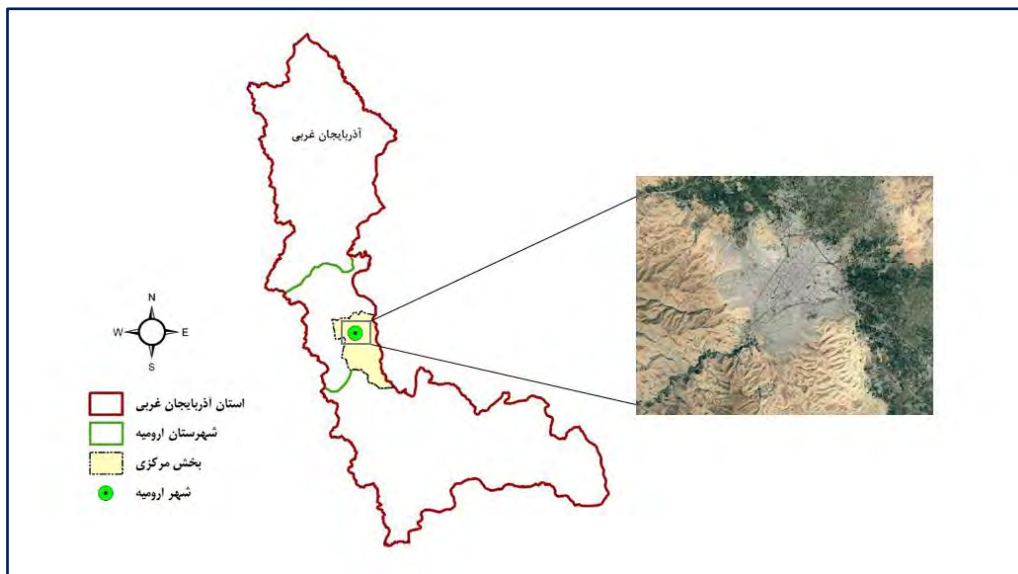
بسیاری از کلانشهرها از طریق الحاق اراضی و سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی، جایگاه امروزی خود را به چنگ آورده‌اند. رشد بی‌رویه کلانشهرها زائیده پدیده‌های متنوعی است که در زنجیره‌ای همبسته قابل ردیابی است. در واقع، یکی از بارزترین و شناخته‌ترین عوامل دخیل در این فرآیند، مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی-شهری و برپایی سکونتگاه‌های به اصطلاح غیررسمی در حاشیه شهرها به‌ویژه کلانشهرهاست؛ هر چند از عوامل تعیین‌کننده در این میان، می‌توان از دو پدیده خوردگی و خزش شهری یاد کرد که با دست‌اندازی کانون‌های شهری به اراضی کشاورزی و روستایی پیرامونی در پیوند تنگاتنگ قرار دارند (سعیدی و حسینی‌حاصل، ۱۳۸۶: ۹). از پیامدهای خوردگی و خزش شهری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تزلزل بنیادهای فعالیت و اقتصاد روستایی و محدودیت تولید زراعی
- رشد بی‌رویه و نامتعادل شهرها
- گسترش فعالیت‌های غیرتولیدی، حاشیه‌ای و به اصطلاح غیررسمی
- جدایی‌گزینی فضایی در درون عرصه‌های کلانشهری
- بروز پدیده رو به رشد حاشیه‌نشینی.

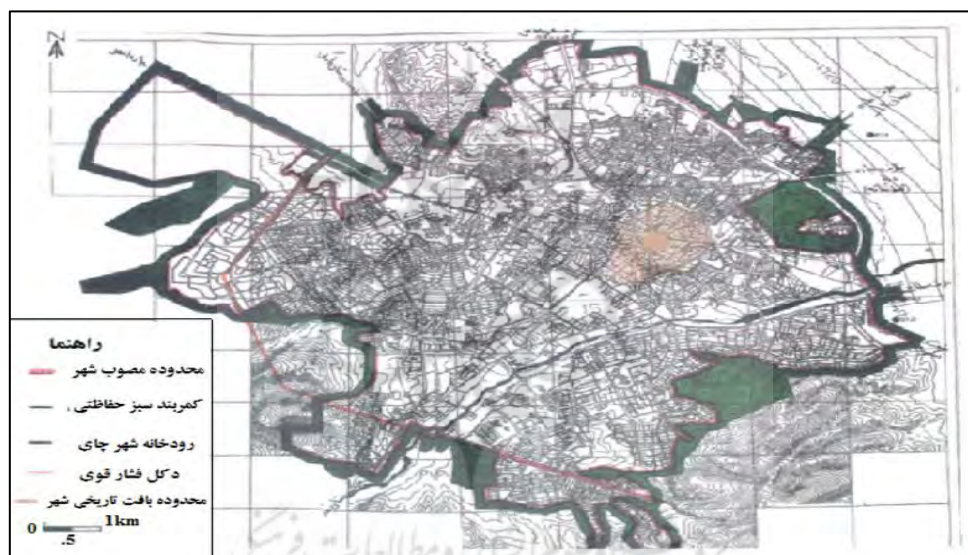
روش‌شناسی پژوهش

محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه در این پژوهش شهر ارومیه، مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی است که با مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی در ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه واقع شده است. جلگه گسترده و سرسبزی به درازای ۷۰ کیلومتر و به پهنای ۳۰ کیلومتر که اطراف آن تا کیلومترها پوشیده از باغات انگور و سیب و کشتزارها است. دریاچه ارومیه در شرق و دریاچه مارمیشو در غرب این شهر قرار دارد. ارتفاع شهر ارومیه از سطح دریا ۱۳۳۲ متر است. این شهر در جلگه ارومیه که یکی از مستعدترین جلگه‌ها می‌باشد واقع است. این شهر از جانب غرب با داشتن مرز مشترک با کشور ترکیه از موقعیت خاص جغرافیایی برخوردار بوده که اهمیت اقتصادی و سیاسی خاصی به این شهر داده است (همپانژاد، ۱۳۸۸: ۶۷). شهر ارومیه با داشتن ۷۳۶،۲۲۴ نفر جمعیت به‌عنوان دهمین شهر پرجمعیت ایران شناخته شده است. شکل شماره (۱)، موقعیت شهر ارومیه و پیرامون آن و شکل شماره (۲)، نقشه محدوده شهر را در طرح تفصیلی نشان می‌دهد.



شکل شماره (۱): موقعیت شهر ارومیه و پیرامون آن



شکل شماره (۲): محدوده شهرستان ارومیه در سال ۸۵

ابزار و روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع کاربردی می‌باشد. این پژوهش از نظر زمانی، روش تحقیق مقطعی است، زیرا تغییرات کالبدی-فضایی را در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. داده‌های موردنیاز از طریق آمارخوانی و بهره‌گیری از جداول آماری و سالنامه‌های آماری، تصویرخوانی و استفاده از تصاویر ماهواره‌ای^۱، تصاویر گوگل ارث^۲، نقشه‌های توپوگرافی و فایل‌های وکتوری و سندخوانی و استفاده از مدارک و مستندات مانند

^۱ در این تحقیق داده‌های ماهواره‌ای شامل تصاویر ماهواره‌ای لندست ۷ سنجنده ETM+ و لندست ۸ سنجنده OLI می‌باشد. این تصاویر از طریق سایت <http://earthexplorer.usgs.gov> دانلود گردیده است و مربوط به مسیر (Path) ۱۶۹ و ردیف (Row) ۳۴ می‌باشند.

^۲ Google Earth

کتاب، مقالات فارسی، گزارشات رسمی، پژوهش‌های علمی و سایر اطلاعات اینترنتی گردآوری شده است و وضعیت شهر و روستاهای پیرامون در دو دوره زمانی مشخص ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ میلادی مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش از نرم‌افزار Arc GIS برای تجزیه و تحلیل بخشی از اطلاعات استفاده گردید و به تهیه نقشه‌های پوشش و کاربری اراضی پرداخته شد. در این پژوهش برای تهیه نقشه‌های پوشش و کاربری اراضی از این مراحل استفاده شد:

- انتخاب تصاویر ماهواره‌ای
- آماده‌سازی و پردازش تصاویر
- انتخاب نمونه‌های تعلیمی
- طبقه‌بندی تصاویر ماهواره‌ای (روش طبقه‌بندی نظارت شده از نوع روش حداکثر احتمال)
- ارزیابی دقت تصاویر طبقه‌بندی شده



شکل شماره (۳): فرآیند تهیه نقشه پوشش و کاربری اراضی

یافته‌های پژوهش

شهر ارومیه در بخش مرکزی شهرستان ارومیه واقع شده است. این شهر و روستاهای پیرامون آن در یک دوره ۱۰ ساله سرشماری تغییراتی داشته‌اند. بخش مرکزی در سال ۸۵ دارای ۷۰۲،۳۷۶ نفر جمعیت بوده است که ۵۷۷،۳۰۷ نفر (۸۲ درصد) از آن‌ها در شهر و ۱۲۵،۰۶۹ نفر (۱۸ درصد) در روستاهای این بخش سکونت داشته‌اند. در سال ۹۵، از ۸۷۹،۷۰۹ نفر جمعیت بخش، ۷۳۶،۲۲۴ نفر (۸۴ درصد) در شهر و ۱۴۳،۴۸۵ نفر (۱۶ درصد) در روستاها سکونت داشته‌اند. مقایسه جمعیت شهری و روستایی در بخش مرکزی این شهرستان در دو دوره سرشماری نشان می‌دهد که با کم شدن تعداد روستاها از ۲۹۵ روستا در سال ۸۵،

به ۲۷۳ روستا در سال ۹۵، درصد جمعیت روستایی نیز نسبت به سال ۸۵ کاهش یافته است که برنامه‌ریزی مناسب توسعه پایدار روستاها احساس می‌شود. جدول شماره (۱)، مشخصات جمعیتی شهر و روستاهای این بخش را در طی دو دوره سرشماری نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): مشخصات جمعیتی محدوده مورد مطالعه

سال ۹۵			سال ۸۵		
جمعیت روستایی	تعداد روستاها	جمعیت شهری	جمعیت روستایی	تعداد روستاها	جمعیت شهری
۱۲۹۷۸۸	۲۷۳	۷۳۶۲۲۴	۱۲۵۰۶۹	۲۹۵	۵۷۷۳۰۷

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۸۵ و ۱۳۹۵)

از روستاهای پیرامون این شهر برخی از روستاها مثل حصار در داخل محدوده واقع شده و جزو شهر محسوب شده است. بعضی از حواشی از جمله اسلام‌آباد، حسین‌آباد و علی‌آباد مداوم در حال گسترش می‌باشد و بیشتر جمعیت مهاجر را در خود جای داده است و روستاهایی چون دیگاله و شهرک گل‌مان در سرشماری ۹۰ در حریم شهر قرار گرفته‌اند. دو روستای الواج و خانقاه الواج نیز در سرشماری ۹۵ در حریم شهر واقع شده‌اند.

جدول شماره (۲): روستاهای حریم و خارج از محدوده شهر ارومیه

شغل سال ۹۵			جمعیت سال ۹۵	جمعیت سال ۹۰	جمعیت سال ۸۵	روستاهای حاشیه ارومیه
خدمات	صنعت	کشاورزی				
۵۰۰	۳۹۰	۴۰	۱۰۵۳۶	۸۴۹۷	۶۱۲۵	ریحان‌آباد
۱۰۳	۴۸	۳۰	۵۵۰	۶۳۰	۳۵۳	بزوه
۵۶۸	۱۵۴۹	۸۳	حریم شهر	۹۶۷۰	۵۳۲۰	الواج
۲۸۳	۴۳۵	۵۲	حریم شهر	۳۴۵۷	۱۷۹۰	خانقاه الواج
۴۵۰	۳۱۰	۱۶۵	۴۷۶۹	۴۰۹۲	۳۸۸۸	بند

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول فوق نشان می‌دهد که روستاهای فوق که در خارج از محدوده شهر ارومیه قرار گرفته‌اند و جزو اراضی توسعه‌ای هستند، در حال حاضر به محدوده شهر در حال افزایش می‌باشند که در زمان تهیه طرح‌های یادشده اراضی توسعه جدید با این مقدار (توسعه ملی) ملحوظ نگردیده بود. این روستاها با واقع شدن در حریم شهر ارومیه، به لحاظ ارزان بودن زمین نسبت به اراضی داخل محدوده شهر مقصد مهاجران به حساب می‌آیند. شغل ساکنان این روستاها که اغلب در شغل‌های خدماتی مشغول هستند، نشان از اشتغال ساکنان روستاها در شهر و سکونت این افراد در روستاها است.

بررسی منابع نشان می‌دهد که این شهر نیز همپای سایر شهرهای بزرگ کشور، در سال‌های اخیر از لحاظ مساحت، گسترش زیادی داشته است که بخشی از عوامل مؤثر بر این گسترش در جدول شماره (۱) آمده است. از عوامل مهم در این زمینه می‌توان شهرک‌سازی‌های تعاونی را نام برد که سبب الحاق اراضی پیرامونی به شهر و مهاجرت گسترده به این شهر شده است.

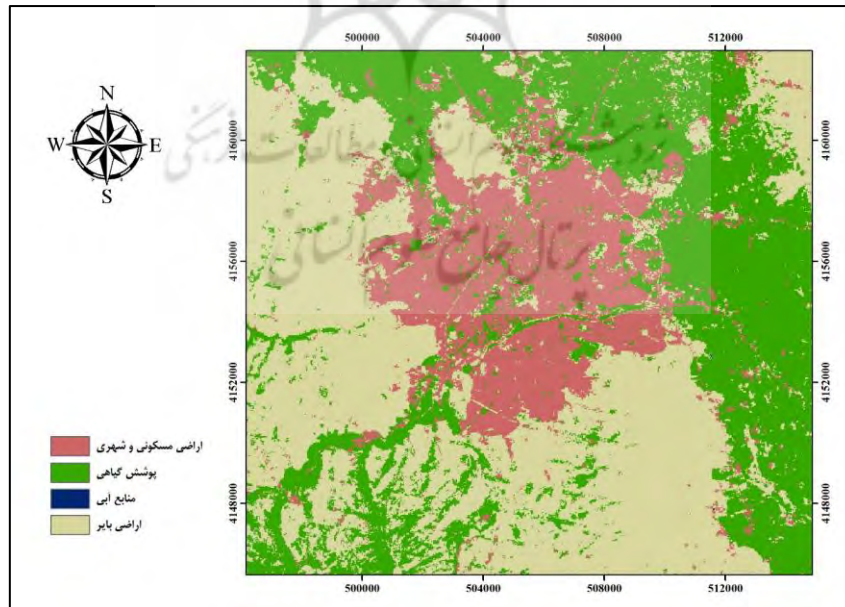
جدول شماره (۳): عوامل مؤثر در گسترش فیزیکی شهر ارومیه به تفکیک هر بخش

اجتماعی - فرهنگی	تمایلات و گرایشات مردم - جدایی‌گزینی اجتماعی
اقتصادی	قیمت - صنایع و کارگاه‌ها
جغرافیای طبیعی	زمین‌های کشاورزی و باغات - آب‌های زیرسطحی - شیب تند و کوه‌های اطراف - جهت باد
سیاسی	طرح شهرک‌سازی - واگذاری زمین به مردم - تعیین محدوده شهر
کالبدی - فضایی	شبکه‌ی ارتباطی و جاده‌های بین شهری - کمربندی‌ها و کنار گذرها

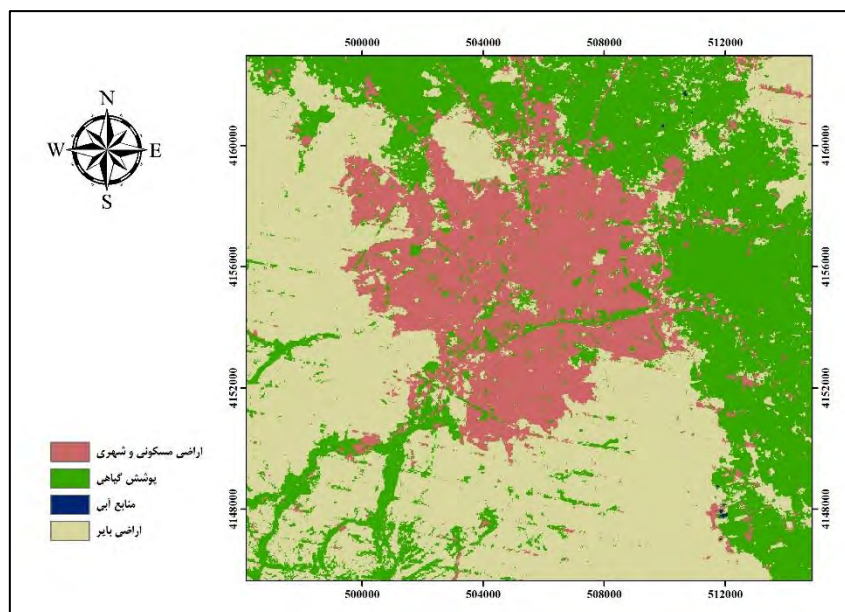
مأخذ: داودپور و اردلان، ۱۳۸۷: ۵۶

بر مبنای محاسبات مهندسی مشاور شارمند (۱۳۸۵)، مساحت شهر ارومیه در فاصله پانزده سال (۸۰-۱۳۶۵) از ۳۶۶۵ هکتار به ۷۱۳۶ هکتار بالغ شده است. به بیان دیگر طی این مدت حدود ۹۵ درصد به مساحت اولیه شهر افزوده شده است. مقایسه این افزایش با تغییرات ناشی از تعداد واحدهای مسکونی معمولی، جمعیت و تعداد خانوار همخوانی ندارد و به عبارت دیگر در فاصله پانزده ساله فوق‌الذکر بر مبنای اطلاعات پروانه‌های ساختمانی، حدوداً ۸۱ درصد به تعداد واحدهای مسکونی اضافه شده است و طی این مدت نیز جمعیت شهر حدود ۷۰ درصد افزایش داشته است. تعداد خانوارهای ساکن در شهر نیز از رشدی حدود ۸۷ درصدی برخوردار بوده و تراکم ناخالص ۸۲ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۷۱ نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده است. بر این اساس بررسی‌ها حدود ۲۴۰ هکتار از باغات داخل محدوده قانونی از زمان تصویب طرح تا سال ۱۳۸۱ به مسکونی و قریب ۲۷۴ هکتار از خدمات پیش‌بینی شده طرح تفصیلی به کاربری مسکونی تغییر یافته‌اند.

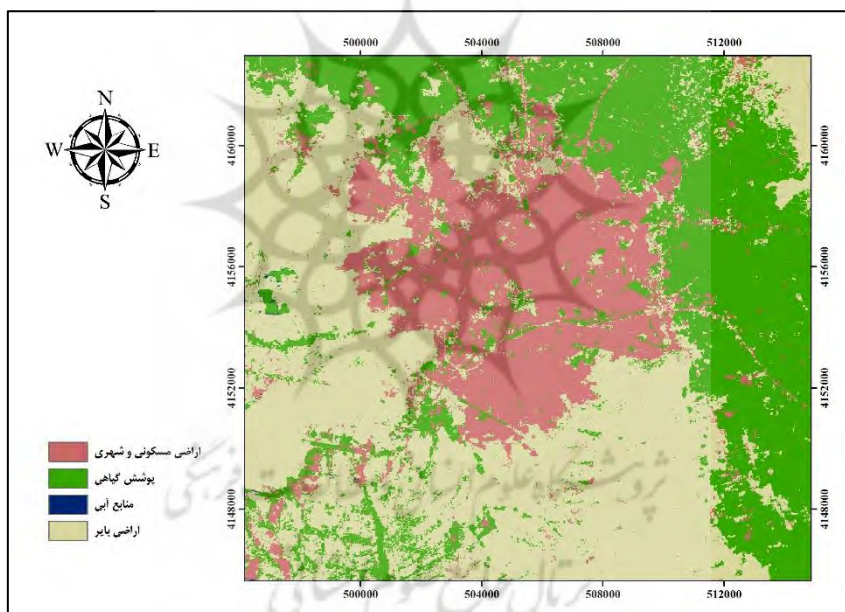
برای مشخص شدن تغییرات شهر ارومیه در طی ده سال اخیر، از تصاویر ماهواره‌ای لندست در دوره‌های زمانی مشخص ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ استفاده شد و نقشه‌های پوشش و کاربری اراضی این شهر و پیرامون آن تهیه گردید. با استفاده از روش طبقه‌بندی حداکثر احتمال، اراضی بایر (کوه و زمین‌های فاقد پوشش گیاهی)، عوارض و تأسیسات ساخت انسان، کاربری و پوشش گیاهی شامل اراضی کشاورزی و باغات و منابع آبی شناسایی و تعریف شدند (جدول شماره ۴ و شکل‌های شماره ۴ تا ۶).



شکل شماره (۴): نقشه پوشش و کاربری اراضی مربوط به سال ۲۰۱۱



شکل شماره (۵): نقشه پوشش و کاربری اراضی مربوط به سال ۲۰۱۶



شکل شماره (۶): نقشه پوشش و کاربری اراضی مربوط به سال ۲۰۲۱

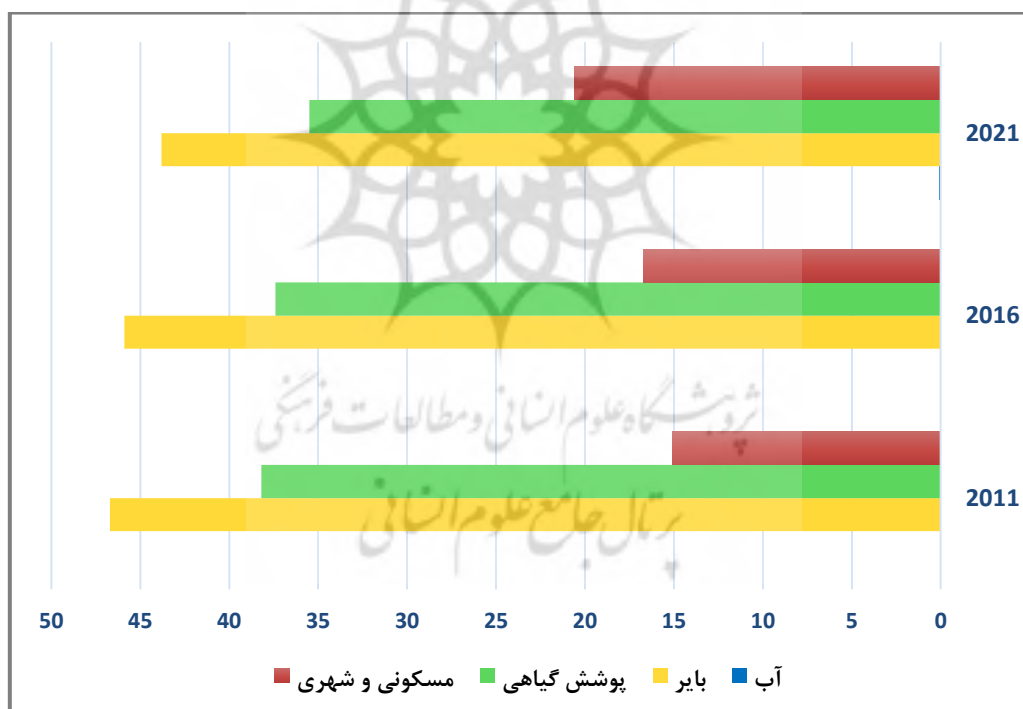
دو نقشه کاربری و پوشش اراضی شماره (۴) و جدول ۱ نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱ میلادی، از کل سطح محدوده، ۱۵,۱ درصد را اراضی مسکونی و شهری تشکیل داده است. همچنین ۳۸,۲ درصد از اراضی، اراضی کشاورزی و ۴۶,۷ درصد از آن‌ها شامل اراضی بایر است. در سال ۲۰۱۶ میلادی، از کل اراضی محدوده، ۱۶,۷ درصد اراضی مسکونی و شهری، ۳۷,۴ درصد اراضی کشاورزی و پوشش گیاهی و ۴۵,۹ درصد اراضی بایر است. در سال ۲۰۲۱، ۲۰,۶ درصد از کل اراضی، اراضی شهری و مسکونی است و ۳۵,۵ درصد و ۴۳,۸ درصد از کل اراضی به ترتیب برابر با اراضی کشاورزی و اراضی بایر است. نمودار شماره (۱) پوشش و کاربری اراضی محدوده را در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱ نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): مساحت کاربری‌ها و پوشش اراضی در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱

مساحت در سال ۲۰۲۱		مساحت در سال ۲۰۱۶		مساحت در سال ۲۰۱۱		نوع کاربری و پوشش
درصد	هکتار	درصد	هکتار	درصد	هکتار	
۲۰,۶	۱۲۴۳۳,۹	۱۶,۷	۱۰۰۷۱,۳	۱۵,۱	۹۱۳۱,۵	مسکونی و شهری
۳۵,۵	۲۱۴۳۴,۱	۳۷,۴	۲۲۵۸۷,۹	۳۸,۲	۲۳۰۶۳,۹	پوشش گیاهی
۴۳,۸	۲۶۴۹۵,۹	۴۵,۹	۲۷۷۵۶,۲	۴۶,۷	۲۸۲۳۶,۸	بایر
۰,۱	۷۲,۶	۰,۰	۲۱,۱	۰,۰	۴,۳	آب

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه نقشه‌ها و جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ میلادی، کلاس شهر شامل مناطق مسکونی و صنعتی، بیش‌ترین تغییرات و آن هم در جهت مثبت داشته است. اضافه شدن این مناطق به قیمت از دست رفتن سایر اراضی بوده است به طوری که در این فاصله از مساحت سایر اراضی کاسته شده است؛ بنابراین تغییرات کاربری شهر ارومیه در طی سال‌های مورد بررسی جهت‌گیری شهری داشته است و سایر کاربری‌ها با رشد منفی مواجه بوده‌اند. گسترش شهر ارومیه در جهات جنوب‌غربی، شمال‌غربی و شمال‌شرقی بیشتر مشهود بوده است و با گستردگی در این جهات باغات و زمین‌های کشاورزی با تغییر کاربری جزو شهر محسوب شده‌اند.



نمودار شماره (۱): پوشش و کاربری اراضی محدوده در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱

در طی این ده سال حدود ۱۶۳۰ هکتار از اراضی کشاورزی و پوشش گیاهی به دلیل گسترش شهر و یا خشکسالی به اراضی شهری و اراضی بایر تغییر کاربری داده‌اند. این تغییر کاربری در قسمت شمال‌شرق شهر ارومیه و جنوب غرب کل محدوده مشهودتر است.

جدول شماره (۵): تغییرات مساحت کاربری‌ها و پوشش اراضی در طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱

منابع آبی		اراضی بایر		پوشش گیاهی		مسکونی و شهری	
درصد	هکتار	درصد	هکتار	درصد	هکتار	درصد	هکتار
+۰,۱	+۶۸,۳	-۲,۹	-۱۷۴۰,۹	-۲,۷	-۱۶۲۹,۸	+۵,۵	+۳۳۰۲,۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

رشد شتابان شهرنشینی طی دهه اخیر سبب شده است که فضای فیزیکی- کالبدی شهرها گسترش یافته و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها را نیز مورد تهدید قرار داده است. این تهدید به‌ویژه در مورد کلانشهرها، شهرهای بزرگ و متوسط جدی است. بنابراین هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون این‌گونه مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض گسترش کالبدی شهر قرار گرفته و با چالشی دوسویه روبرو می‌باشد:

۱. به دلیل گسترش و پیشروی کالبد شهر، روستای پیرامونی در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و کالبد شهر قرار دارد.
۲. متأثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی و نیروهای بیرونی کالبد درونی روستا در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری- کارکردی قرار گرفته است.

گسترش تدریجی کالبد شهر به پیرامون و دست‌اندازی شهر به اراضی روستاهای اطراف، محدودیت‌ها و زیان‌های کالبدی اقتصادی، اجتماعی و محیطی خاص خود را نیز تحمیل می‌نماید؛ از یکسو ساختار معیشت روستا تحت تأثیر همجواری با شهر به‌تدریج تغییر ماهیت داده و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی به کانونی بی‌هویت و انگل شهر تبدیل و در نتیجه ساخت اقتصادی روستا تابع فرآیندهای اقتصادی شهر می‌شود؛ از طرفی، وجوه اجتماعی- فرهنگی ساکنین روستاها نیز با فاصله گرفتن از تحولات و پویایی اندام‌وار درونی متأثر از جریانات و تحولات اجتماعی- فرهنگی بیرونی و برآمده از شهر می‌شود که به دلیل سرعت و شدت اثرگذاری، نتیجه‌ای جز دگرسویی با ساخت اجتماعی موجود در روستا را ندارد؛ از بعد کالبدی در روستاهای حریم به‌عنوان مهم‌ترین مقصد مهاجرین و همچنین متأثر از گسترش فیزیکی شهر، زمین‌های زراعی روستا، ارزش تجاری یافته و بازار خرید و فروش زمین‌های زراعی و تبدیل آن‌ها به زمین‌های مسکونی، خدماتی و کارگاهی رونق می‌گیرد. علاوه بر این افزون بر اینکه بافت و کالبد روستا دستخوش تغییر کارکرد و ماهیت می‌شود، به‌تدریج طبقه‌ای از صاحبان درآمدهای بالنسبه هنگفت (در مقیاس روستا) شکل می‌گیرد که خود عامل تشدید و رونق بازار زمین در روستا می‌گردد؛ افزایش تقاضا برای مسکن از جمله عوامل دیگر برای ساخت و سازهای بی‌ضابطه و بی‌رویه است که خود نقشی اساسی در آشفتگی ساخت و بافت کالبدی روستا ایفا می‌نماید.

بنابراین برای کاستن از این مشکلات و حفظ اراضی کشاورزی و مسکن روستایی ضرورت توسعه عمودی شهر با استفاده از الگوی تجمیع و فشرده‌سازی در ساخت‌وسازهای شهری جهت جلوگیری از گسترش افقی شهر بیشتر احساس می‌شود. همکاری و مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه‌ای شهر و توجه به مسائل زیست‌محیطی روستاهای حومه شهر و جلوگیری از استقرار تأسیسات شهری در اراضی مستعد کشاورزی روستاهای حومه شهر به توسعه پایدار شهر و روستا می‌انجامد.

منابع و مآخذ

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۷۶)، راهبردهای رشد و توسعه روستایی در سیستان، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، بهار و تابستان شماره ۴
- افراخته، حسن (۱۳۸۲)، ارزیابی نقش شهرها در توسعه ناحیه‌ای (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان) پژوهش‌های جغرافیایی شماره ۵۰ زمستان ۱۳۸۳ صص ۱۱۵-۱۰۳
- پورشیخیان، علیرضا و اصغر نظریان (۱۳۸۹)، پیدایش منطقه کلانشهر و بازتاب فضایی آن، مطالعه موردی شهر رشت، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، شماره ۲۷
- پورمحمدی، محمدرضا و رسول قربانی (۱۳۸۱)، شیوه‌های حفاظت از باغ‌ها و اراضی کشاورزی و آثار آن بر تراکم شهری در ایران، دو فصلنامه علمی و پژوهشی معماری - شهرسازی صفه. سال چهاردهم. شماره ۳۸
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- سعیدی، عباس و حسینی حاصل صدیقه (۱۳۸۶)، ادغام کلانشهری سکونتگاه‌های روستائی با نگاهی به کلانشهر تهران و پیرامون، جغرافیا (نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳.
- داودپور، زهره و داریوش اردلان (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر گسترش شهرهای بزرگ و میانی، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، تهران
- دولفوس، اولیویه (۱۳۷۴)، فضای جغرافیایی، انتشارات نیکا، ایران: مشهد.
- صدرموسوی، میرستار و اکبر رحیمی (۱۳۹۱)، تحلیلی بر توسعه‌ی کالبدی تبریز و تخریب اراضی کشاورزی و فضاهای سبز شهری، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۴، صص ۱۰۹-۹۹.
- مبارکی، امید؛ محمدی، جمال و اصغر ضرابی (۱۳۹۲)، ارائه الگوی بهینه گسترش کالبدی - فضایی شهر ارومیه، جغرافیا و توسعه شماره ۳۲، صص ۷۵، ۸۸.
- معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۵)، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات پیام، ایران: تهران.
- منشی‌زاده، رحمت‌الله و مظفر صادقی (۱۳۸۹)، تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر با تأکید بر تعامل روستا - شهری (مورد روستاهای پیرامون شهر نورآباد ممسنی، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۱۳۷ - ۱۱۷.
- مؤمنی، مصطفی (۱۳۸۷)، مقایسه تطبیقی نقش تهران بر تحولات سازمان فضایی شهرهای لواسان و شریف‌آباد از دهه ۱۳۵۰ تا کنون، مجله علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره دهم، شماره چهار.
- مهندسین مشاور شارمند (۱۳۸۵)، طرح مکان‌یابی ساختمان‌های مسکونی چهار طبقه و بیشتر در شهر ارومیه. سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان غربی، ارومیه.
- همپانژاد، الناز (۱۳۸۸)، تحلیلی بر توسعه فیزیکی شهر ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد نجف‌آباد.
- Margant, Beniamino and Maria Danese (2011), Urban Versuse; The Decrease of Agriculture Areas and the Development of Urban Zones Analyzed with Spatial Statistics, DOI 10.4018/jaeis.